



مفهوم شناسی و مصداق یابی اهل بیت (ع)

پدیدآورده (ها) : زینلی، غلامحسین

حقوق :: الهیات و حقوق :: زمستان 1384 - شماره 18

از 3 تا 20

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/327370>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 06/03/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور



مفهوم‌شناسی و مصداق‌یابی اهل بیت علیهم‌السلام

□ غلامحسین زینلی

□ محقق و نویسنده



چکیده

خداوند در قرآن، اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را از هر گونه آلودگی منزّه دانسته و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز آنان را همتای کتاب خدا معرفی کرده است. نقش اهل بیت علیهم‌السلام در هدایت و وحدت اسلامی، ضرورت شناخت مصداق اهل بیت علیهم‌السلام را بیشتر روشن می‌کند. اینکه اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام هستند، تردیدی نیست، ولی برخی قائل‌اند که افراد دیگری نیز جزو آنها به شمار می‌آیند.

قرائن درونی و بیرونی آیه تطهیر و همچنین گفتار و رفتار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دلیل بر این است که اهل بیت فقط بر آن پنج نفر و نه فرزند امام حسین تا امام مهدی علیه‌السلام اطلاق می‌شود.

کلیدواژگان: اهل بیت، قرآن، حدیث، مصداق، حدیث ثقلین، آیه تطهیر.

ضرورت شناخت اهل بیت علیهم السلام

شاید برخی چنین تصوّر کنند که گفت‌وگو پیرامون «اهل بیت علیهم السلام» و تلاش برای شناختن و شناساندن آنان، مسئله‌ای قدیمی است و در عصر حاضر، اثری بر آن مترتب نیست، در حالی که اگر به کلام خداوند و سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مراجعه کنیم و در آن بیندیشیم، به وضوح می‌یابیم که مطالعه و پژوهش پیرامون این مسئله و شناخت مفهوم و مصادیق اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای امت اسلامی، امری کاملاً حیاتی است. خداوند در قرآن کریم، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از هرگونه آلودگی، پاک و منزّه دانسته^۱ و محبت و دوستی آنان را به عنوان مزد رسالت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، بر همه مسلمانان فرض دانسته است.^۲

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز که سخن ایشان مؤید به کلام خداوند است،^۳ در حدیث متواتر «ثقلین» با بیان جمله «إني تارك فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدي، كتاب الله و عترتي أهل بيتي...» (ترمذی، ۳۲۹/۵؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۸/۳؛ ابن حنبل، ۱۷/۳؛ طبرانی، ۱۹۰/۵ و ۲۰۵) اهل بیت را همتای کتاب خدا به شمار آورده و استمرار هدایت امت اسلامی را پس از خود، تنها در پرتو تمسک به قرآن و عترت، میسر دانسته است و اعلام داشته که این دو، همیشه با هم‌اند و هیچ‌گاه از یکدیگر، جدا نخواهند شد: «... و لن يفترقا حتى يردا على الحوض...» (همان).

آن حضرت، در حدیث «سفینه»، اهل بیت علیهم السلام را به کشتی نوح تشبیه کرده و نجات امت اسلامی را تنها در گرو تمسک به کشتی هدایت آنان، ممکن دانسته است.^۴ آری، تأمل در کلام خداوند و سخنان رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و نقش اهل بیت علیهم السلام

۱. «إني أريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيراً؛ خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند (احزاب / ۳۳).
 ۲. «قل لا أسألكم عليه أجراً إلا المودة في القربى؛ بگو: به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما نمی‌خواهم، مگر دوستی خویشاوندانم» (شوری / ۲۳).
 ۳. «و ما ينطق عن الهوى إن هو إلا وحي يوحى» (نجم / ۳ و ۴).
 ۴. ابودر غفاری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود: «مثل أهل بيتي فيكم مثل سفينة نوح من ركبها نجا و من تخلف عنها غرق» (حاکم نیشابوری، ۳۴۳/۲؛ هیشمی، ۲۶۵/۹؛ خطیب بغدادی، ۹۱/۱۲؛ ابونعیم، ۳۰۶/۴؛ سیوطی، الدر المنثور، ۴/۴۳۴).

در هدایت و وحدت امت اسلامی، ضرورت شناخت مصادیق اهل بیت پیامبر ﷺ را بیش از پیش روشن می‌سازد. چنین تأملی، هر فرد مسلمان متعهدی را وامی‌دارد تا به درستی، این اسوه‌های طهارت و پاکی را بشناسد و آنان را الگوی زندگی خویش قرار دهد و در جهان پر حادثه کنونی، بر کشتی نجات اهل بیت ﷺ سوار شده و خود را به ساحل نجات رساند. این، همان حقیقتی است که پیشوای مذهب شافعی نیز در سروده خود به آن اشاره دارد و می‌گوید:

و لَمَّا رَأَيْتِ النَّاسَ قَدْ ذَهَبَتْ بِهِمْ مَذَاهِبُهُمْ فِي أُبْحَرِ الْغَيِّ وَالْجَهْلِ
رَكِبْتُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ فِي سَفْنِ النِّجَا وَ هُمْ أَهْلُ بَيْتِ الْمُصْطَفَى خَاتَمِ الرِّسْلِ
(شافعی، ۳۳۴)

یعنی: هنگامی که دیدم مذاهب گوناگون، مردم را به دریا‌های جهل و گمراهی سوق داده است، با نام خدا بر کشتیهای نجات اهل بیت مصطفی ﷺ، خاتم پیامبران، سوار شدم.

پس چنان نیست که این مسئله، متعلق به روزگاران گذشته باشد، بلکه همان گونه که تدبیر در قرآن و پیروی از کتاب الهی، مسئله‌ای نو و مورد نیاز است، شناخت و پیروی از همتای قرآن، یعنی اهل بیت پیامبر ﷺ نیز مسئله‌ای تازه و مورد نیاز است.

مراد از اهل بیت ﷺ

مقصود از اهل بیت در بحث حاضر، معنای لغوی آن، یعنی همه بستگان و همسر و فرزندان شخص نیست، بلکه مقصود، معنای اصطلاحی آن است که قرآن کریم، در آیه تطهیر، آن را درباره اهل بیت پیامبر ﷺ به کار برده است (احزاب / ۳۳).

مصادیق اهل بیت ﷺ در نظر مفسران

مسلمانان به پیروی از قرآن کریم و سخنان پیامبر ﷺ، عبارت «اهل بیت» را در اهل بیت رسول خدا ﷺ استعمال کرده‌اند. این مسئله به گونه‌ای شهرت یافته که اراده معنای دیگری از آن، نیازمند به قرینه است (قریشی، ۱/ ۱۳۷)؛ با این وجود، شماری از مفسران اهل سنت در این مسئله تشکیک کرده و ضمن پذیرفتن اهل بیت

پیامبر ﷺ (علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) به عنوان مصادیق آیه، افراد دیگری را نیز جزء مصادیق اهل بیت دانسته‌اند. اهم اقوال آنان چنین است:

۱. گروهی، به جز علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام، همسران پیامبر ﷺ را نیز از اهل بیت دانسته‌اند (ابن عساکر، ۲۰۸/۴-۲۰۹؛ رازی، ۲۰۹/۲۵؛ شوکانی، ۲۰۸/۴؛ قرطبی، ۱۸۳/۱۴).
۲. برخی مصادیق اهل بیت را خود پیامبر ﷺ و همسران آن حضرت دانسته‌اند (ابن عساکر، ۲۰۹/۴).

۳. برخی معتقدند منظور از اهل بیت، تنها زنان پیامبرند. این قول را عکرمه به سعید بن جبیر و ابن عباس نسبت داده است (سیوطی، الدر المنثور، ۶۰۲/۶؛ شوکانی، ۲۷۸/۴).
۴. برخی معتقدند مصادیق اهل بیت، همه بنی‌هاشم‌اند؛ یعنی آل علی، آل عقیل، آل جعفر و آل عباس. این قول از زید بن ارقم نقل شده است (طبرانی، ۱۸۲/۵؛ سیوطی، الدر المنثور، ۶۰۵/۶؛ شوکانی، ۲۸۰/۴؛ قرطبی، ۱۸۳/۱۴).

۵. عقیده بسیاری از مفسران بر این است که منظور از اهل بیت علیهم السلام، پیامبر اکرم ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است. این قول را برخی از همسران رسول خدا ﷺ، مانند ام سلمه، عایشه و زینب و جمع زیادی از صحابه، مانند سعد ابن ابی وقاص، ابوسعید خدری، واثله بن اسقع، ابن عباس، علی بن ابی طالب، حسن ابن علی، جعفر بن ابی طالب، جابر بن عبدالله، عمر بن ابی سلمه، براء بن عاذب و ثوبان، غلام رسول خدا، نقل کرده‌اند (حاکم حسکانی، ۳۰-۲۶/۲، ۳۳-۳۵، ۳۸-۴۱، ۴۳ و ۵۰؛ ابن کثیر، ۴۹۲/۳-۴۹۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۶/۳، ۱۴۷ و ۱۵۰؛ سیوطی، الدر المنثور، ۶۰۵-۶۰۳/۶؛ طبری، ۷/۲۲ و ۸؛ ذهبی، ۱۴۷/۳؛ بیهقی، ۶۳/۷؛ طحاوی، ۳۳۲/۱ و ۳۳۴؛ ابن حنبل، ۳۹۱/۱، ۴۵/۶، ۱۷۷/۱۰ و ۱۹۷؛ مسلم، کتاب فضائل صحابه، باب ۴ و کتاب فضائل اهل بیت النبی ﷺ، باب ۹؛ ترمذی، کتاب مناقب، باب ۲۱ و ۳۲؛ جوینی، ۱۵/۲، ۱۸ و ۲۲).

در پاره‌ای از روایات، افزون بر افراد یادشده، در ذیل قول پنجم، از سایر امامان شیعه هم نام برده شده است (موحد ابطحی، ج ۱ و ۲). شیعه امامیه، بر اینکه آیه تطهیر همه امامان را نیز شامل می‌شود، اتفاق نظر دارند (طبرسی، ۳۷۲).

حال باید دید، آیه شریفه، شامل چه کسانی است و چه کسانی از دایره شمول آیه خارج‌اند. برای بررسی این مسئله، از قرآن درونی و برونی آیه مورد نظر، مدد می‌جویم.

قرائن درونی شمول آیه تطهیر بر اهل بیت علیهم السلام

۱. کسانی که همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله را مشمول آیه می‌دانند، به این نکته تمسک کرده‌اند که جملات پیش و پس از آیه تطهیر، همگی درباره همسران پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما باید توجه داشت که مسئله یادشده نه تنها دلالتی بر شمول آیه نسبت به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد، بلکه خود قرینه روشنی است بر اینکه مخاطب آیه تطهیر، کسانی غیر از همسران پیامبرند؛ چرا که در جملات پیش و پس از آیه، تمامی ضمایر به صورت مؤنث آمده (کتن، أمتعن، أسرحکن، تردن، لستن، اتقین، فی بیوتکن)، در حالی که در آیه تطهیر، جهت خطاب تغییر کرده و ضمایر آن، به صورت مذکر (عنکم، يطهرکم) آمده است. این امر، به روشنی دلالت دارد بر اینکه مصادیق آیه، کسانی غیر از همسران پیامبرند.

۲. لسان آیه تطهیر، لسان مدح و ستایش است و از مقام بلند اهل بیت علیهم السلام حکایت دارد، در حالی که لسان آیه‌های مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، لسان پرهیز دادن و ترساندن است؛ از این رو، هرگز نمی‌توان هر دو لسان را مربوط به یک گروه دانست.

۳. مفاد آیه تطهیر، اعطای نوعی مصونیت از گناه و لغزش، و عصمت دارندگان مقام تطهیر است، در حالی که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به اتفاق مسلمانان، مصون و معصوم از خطا و گناه نبوده‌اند.

۴. منظور از «اراده» در آیه شریفه تطهیر اراده تکوینی است. با توجه به این نکته، می‌توان پرسید: آیا مراد از زدودن پلیدی از اهل بیت علیهم السلام در آیه شریفه، دور ساختن و دفع پلیدی است (یعنی اینکه آنها از آغاز هیچ گونه پلیدی نداشته‌اند) یا برداشتن و رفع آن است (یعنی آلودگی بوده، اما خداوند آن را برطرف کرده است).

اگر فرض نخست منظور باشد، در این صورت، تمام زنان پیامبر صلی الله علیه و آله یا دست کم بیشتر آنان، پیش از اسلام در پلیدی (شرک و کفر) بوده‌اند؛ در نتیجه، از حکم آیه خارج‌اند. اگر فرض دوم (برداشتن پلیدی) منظور باشد، چاره‌ای نداریم جز آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از حکم آیه خارج بدانیم؛ زیرا در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله، هیچ گونه پلیدی وجود نداشته است، در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به طور قطع، در حکم آیه داخل است. پس فرض نخست، ثابت و فرض دوم، منتفی می‌گردد و زنان



پیامبر ﷺ به طور قطع، از حکم آیه خارج می‌گردند (طبرسی، ۳۷۲).

۵. مقصود از اهل بیت ﷺ در آیه تطهیر، اهل بیت پیامبرند که منحصرأ ساکن یک خانه بوده‌اند، یعنی فاطمه، امیرالمؤمنین و دو فرزندشان حسن و حسین ﷺ. اینکه به نظر برخی مقصود آیه، همسران رسول خدا ﷺ است، درست نیست؛ چون خانه‌های همسران آن حضرت، یک خانه نبود، بلکه خانه‌های آنان، متعدّد بوده که در آن ساکن بوده‌اند. دلیل این مطلب، سخن خداوند در صدر آیه تطهیر است که می‌گوید: «و قرن فی بیوتکن» (حزاب / ۳۳) که خطاب، متوجّه کسانی است که در خانه‌های پیامبر ﷺ می‌زیسته‌اند.

قرائن برونی شمول آیه تطهیر بر اهل بیت ﷺ

افزون بر قرائن درونی آیه، قرائن برونی دیگری نیز وجود دارد که همسران پیامبر ﷺ را از شمول آیه تطهیر خارج می‌سازد. این قرائن را در ذیل پی می‌گیریم:

۱. بی‌گمان، خداوند در آیه تطهیر، مقام بزرگی را برای اهل بیت ﷺ ثابت کرده و آن را به همه مسلمانان اعلام داشته است. حال، چگونه می‌توان تصوّر کرد که همسران پیامبر ﷺ به چنین مقام ارجمندی رسیده باشند، اما از وجود چنین فضیلتی برای خود غافل باشند، تا آنجا که هیچ یک از آنان، حتی برای یک بار، چنین فضیلتی را برای خود یادآور نشده و دیگران را نیز بدان توجّه نداده است؟! نه تنها در تاریخ چنین فضیلتی از آنان نقل نشده، بلکه از قول خود آنان نقل شده که گفته‌اند: آیه تطهیر در حق غیر ایشان (یعنی خمسۀ طیّه) نازل شده است.

۲. محدثان شیعه و اهل سنت، در شأن نزول آیه تطهیر، روایات متواتری را از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند. این روایات، پیامبر اکرم ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ را مصادیق اهل بیت ﷺ معرفی می‌کند.

به نظر می‌رسد بهترین راه برای تعیین دقیق مصادیق اهل بیت، مراجعه به روایاتی است که از قول خود پیامبر ﷺ، در تفسیر آیه شریفه صادر شده است.

آری، چگونه می‌توان باور کرد که رسول خدا ﷺ در حدیث ثقلین، سفینه، امان و...، تمسّک به اهل بیت ﷺ را مایه سعادت دنیا و آخرت امت اعلام کند، اما

آنان را معرفی نکند و مصادیق اهل بیت را در هاله‌ای از ابهام باقی گذارد؟!

حقیقت آن است که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مواضع متعدد، از جمله در اجتماع باشکوه صحابه، اهل بیت (علیهم‌السلام) را معرفی کرده است تا هیچ عذر و بهانه‌ای برای هیچ کس باقی نماند. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به عنوان یگانه کسی که بی هیچ اختلافی، صلاحیت تفسیر قرآن و بیان معانی پنهان آن را داراست^۱ و به تصریح قرآن کریم، هیچ گاه از خود سخنی نمی گوید و گفتارش برخاسته از وحی الهی است،^۲ در تعیین مراد آیه تطهیر و بیان مصادیق آن، دو شیوه مؤثر برگزیده است:

الف) شیوه بیان گفتاری؛

ب) شیوه بیان رفتاری.

الف) مصادیق آیه تطهیر در بیان گفتاری پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

طبق روایات فراوانی که از طریق شیعه و اهل سنت رسیده است، رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پس از نزول آیه تطهیر، پارچه‌ای به دست مبارک خویش گرفت و علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم‌السلام) را به زیر آن برد و سپس فرمود:

«اللهم هؤلاء أهل بیتی و هؤلاء أهلی و عترتی فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً» (حاکم حسکانی، ۳۴/۲، ۳۸، ۴۳، ۴۴ و ۵۰؛ ابن کثیر، ۴۹۲/۳ و ۴۹۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۶/۳ و ۱۵۰؛ طحاوی، ۳۳۳/۱؛ طبری، ۷/۲۲ و ۸؛ ابن حنبل، ۱۷۷/۱۰)؛ پروردگارا! اینان اهل بیت من و اهل و خاندان من‌اند. هرگونه آلودگی را از آنان دور کن و کاملاً پاکشان گردان.

شمار این روایات که نزد شیعه و سنی به «حدیث کساء» شهرت یافته، به دهها عدد بالغ می شود و جمع کثیری از صحابه رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آن را نقل کرده‌اند. ام سلمه همسر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که طبق نقل بیشتر روایات، این جریان در خانه او روی داده، از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تقاضا می کند تا اجازه دهند او نیز به جمع اصحاب کسا پیوندد و از این فیض بزرگ بهره‌مند شود، اما رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از پیوستن او به جمع اصحاب کسا مانع شده، با تعبیر محبت آمیزی از او دلجویی می کنند؛

۱. «و أنزلنا إلیک الذکر لتبین للناس ما نزل إلیهم» (نحل/ ۴۴).

۲. «و ما ینطق عن الهوی، إن هو إلا وحی یوحی» (نجم/ ۳ و ۴).

تعایری چون: «یرحمک الله، أنت علی مکانک و أنت علی خیر و إلی خیر، و إناک من أزواج النبی...» (همان).

غیر از ام سلمه، همسران دیگر پیامبر ﷺ همچون عایشه (همان) و زینب (جوینی، ۱۸/۲) نیز عین ماجرای مذکور را نقل کرده و تصریح کرده‌اند که آیه تطهیر دربارهٔ خمسة طیه نازل شده است.

غیر از همسران رسول خدا ﷺ، شمار زیادی از بزرگان صحابه^۱ نیز تصریح کرده‌اند که آیه تطهیر دربارهٔ خمسة طیه نازل شده است.

ب) مصادیق آیه تطهیر در بیان رفتاری پیامبر ﷺ

روش دیگری که پیامبر ﷺ برای تعیین مراد از آیه تطهیر و بیان مصادیق آن برگزیدند، شیوه‌ای ابتکاری و فراموش‌نشدنی در مدت زمانی نسبتاً طولانی، در معرفی اهل بیت ﷺ بود؛ بدین سان که سیده‌دم، هنگامی که برای اقامهٔ نماز صبح از خانه خارج می‌شدند، به در خانهٔ فاطمه ﷺ می‌رفت و می‌فرمود:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته اهل البيت «إنا یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البيت و یطهرکم تطهیراً» الصلاة رحمکم الله؛ درود، رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت باد. «خداوند اراده کرد تا هر گونه پلیدی را از شما اهل بیت دور گرداند و کاملاً پاکتان سازد» [وقت نماز است، مهیا شوید] رحمت خدا بر شما باد.

مدت این روش رفتاری پیامبر ﷺ را ابوسعید خدری، چهل روز (حاکم حسکانی، ۴۴/۲، ج ۶۶۵ سیوطی، الدر المنثور، ۶/۶۰۶)، انس بن مالک، شش ماه (ابن کثیر، ۳/۴۹۲؛ حاکم حسکانی، ۱۸/۲، ۲۱، ۲۲ و ۲۵)، ابو حمراء، شش و در نقلی هفت یا هشت ماه (سیوطی، الدر المنثور، ۶/۶۰۶ و ۶۰۷؛ ابن کثیر، ۳/۴۹۲)، و ابن عباس، نه ماه (سیوطی، الدر المنثور، ۶/۶۰۶) اعلام داشته‌اند.

به نظر می‌رسد علت اختلاف در مدت زمان مذکور، آن است که هر یک از راویان، تنها مدتی که خود شاهد آن بوده، روایت کرده است؛ بنابراین، ناسازگاری در نقلهای یاد شده مطرح نیست.

۱. اسامی آنان و منابعی که سخنان آنها در آن ثبت شده، پیشتر گذشت.

همان گونه که گذشت، رسول خدا ﷺ از همان آغاز نزول آیه تطهیر با تعیین مصادیق اهل بیت، راه هر گونه تفسیر ناروا را در این باره بستند. این اقدام پیامبر ﷺ موجب شده است تا جز معدودی که نظرشان وزنی ندارد، کسی در اختصاص این آیه به پنج تن تردید نکند.

اشتمال آیه تطهیر بر سایر امامان شیعه

چنان که پیشتر گذشت، کاربرد واژه «اهل بیت» در روزگار پیامبر ﷺ در میان امت اسلامی به طور ویژه برای خاندان پاک آن حضرت بود؛ به گونه‌ای که هرگاه این واژه بدون پسوند به کار می‌رفت، همگان از آن، مصادیقی جز خاندان پیامبر اسلام ﷺ نمی‌فهمیدند و عنوان «اهل بیت»، معرف خاندان پاک آن حضرت بوده است (راغب، ۶۴).

بی‌گمان، این مسئله به تبعیت از شخص پیامبر ﷺ و به سبب تأکید فراوانی بود که آن حضرت درباره افرادی خاص با عنوان «اهل بیت» به کار می‌برد. در واقع، مصادیق «اهل بیت»، همان کسانی بودند که از سوی پیامبر اکرم ﷺ با عناوین دیگری همچون، «عترت»، «اصحاب کسا»، «آل محمد ﷺ» و...، به امت اسلامی معرفی گردیدند.

حال، می‌گوییم، مصادیق اهل بیت پیامبر ﷺ، بیش از افراد یاد شده است و اطلاق واژه «اهل بیت» بر افراد یاد شده، از باب حصر نیست؛ به گونه‌ای که واژه «اهل بیت» به افراد مذکور اختصاص داشته باشد و سایر امامان شیعه را شامل نشود، بلکه جریان حدیث کسا، از قبیل تطبیق آیه تطهیر بر افراد موجود از اهل بیت ﷺ بوده است، نه حصر در آنها؛ در غیر این صورت، به عقیده دانشمندان امامیه و جمع کثیری از دانشمندان اهل سنت، همه امامان امامیه جزء اهل بیت پیامبر ﷺ به شمار می‌آیند. این مطلب از روایاتی که در معرفی اهل بیت نقل شده، به خوبی استفاده می‌شود؛ برای مثال، طبق برخی از روایات، پیامبر ﷺ در شب ازدواج علی و فاطمه ﷺ آیه تطهیر را تلاوت کرد و پس از ازدواج آنان تا چهل روز پیوسته به در خانه آنها می‌آمد و می‌فرمود:

السلام علیکم أهل البيت و رحمة الله و بركاته. الصلاة رحمکم الله، «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» أَنَا حَرْبُ لِمَنْ حَارِبْتُمْ، أَنَا سَلَمٌ لِمَنْ سَالْتُمْ (سيوطی، الدر المنثور، ۶/۶۰۶: هیثمی، ۹/۲۶۷).

همچنین دانشمندان شیعه و اهل سنت پذیرفته‌اند که امام مهدی علیه السلام که در آخرالزمان قیام خواهد کرد و با برچیدن بساط ظلم، حکومتی جهانی بر اساس عدل و داد بنا خواهد کرد، از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. نمونه‌هایی از احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که مفید این معناست، چنین است:

علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود: «المهدي من أهل البيت» (ابن ماجه، کتاب الفتن، باب ۳۴: ابن حنبل، ۸۴/۱: ابوداود، کتاب المهدی: حاکم نیشابوری، ۴/۵۵۷).

ابوسعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند: «المهدي مني...» (همان).
ام سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود: «المهدي من عترتي من ولد فاطمة» (سیوطی، الدر المنثور، ۶/۵۸: ابوداود، کتاب المهدی).

چنان که می‌بینید، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در احادیث یاد شده مهدی علیه السلام را از اهل بیت خود به شمار آورده‌اند، حال آنکه مهدی علیه السلام نه تنها در آن زمان وجود نداشت، بلکه تا زمان تولد وی، حدود دویست و پنجاه سال باقی مانده بود.

همچنین دانشمندان فریقین، روایاتی را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده‌اند که بر طبق آنها، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعداد جانشینان خود و خلفای امت اسلامی را دوازده تن معرفی کرده و برای آنان اوصافی برشمرده‌اند که مجموع آن اوصاف، جز بر امامان دوازده گانه تشیع، بر کس دیگری تطبیق پذیر نیست. نمونه‌ای از نقلهای روایات مورد نظر چنین است: مسلم در صحیح خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود:

لا يزال الدين قائماً حتى تقوم الساعة أو يكون عليكم اثنا عشر خليفة كلهم من قریش (مسلم، کتاب اماره، باب ۱)؛ همواره دین خدا استوار و پابرجاست تا آنکه قیامت به پا شود یا دوازده نفر خلیفه برای شما وجود داشته باشند که همگی آنان از قریش‌اند.

حدیث فوق را بخاری از سه طریق (صحیح، کتاب احکام، باب ۵۱: التاریخ الکبیر، ۳/۱۸۵ و ۴۱۱/۸)، مسلم از هشت طریق (کتاب اماره، باب ۱)، ابوداود از دو طریق (کتاب المهدی)،

ترمذی از دو طریق (کتاب الفتن، باب ۴۶) و احمد بن حنبل از ۳۲ طریق (۱۰۶/۵، ذیل احادیث جابر بن سمره) نقل کرده‌اند.

ویژگی‌ها و اوصاف امامان در حدیث مذکور

اهمّ ویژگی‌های امامان در حدیث مذکور بدین قرار است:

۱. عدد آنان دوازده نفر است: «... اثنا عشر خليفة...».
 ۲. همگی آنان از قریش‌اند: «... کلّهم من قریش».
 ۳. این دوازده نفر خلفای کلّ امت‌اند، نه بخشی از امت.
- در حدیث جابر بن سمره آمده: «يكون لهذه الأمة اثنا عشر خليفة...» (ابن حنبل، ۱۰۶/۵؛ طبرانی، ۱۹۸/۲؛ متقی هندی، ۳۳/۱۲)

در حدیث ابوجحیفه آمده: «لا يزال أمر امتي صالحاً حتى يمضي اثنا عشر خليفة كلهم من قریش» (حاکم نیشابوری، ۶۱۸/۳؛ هیثمی، ۱۹۰/۵؛ بخاری، التاریخ الکبیر، ۴۱۱/۸؛ متقی هندی، ۳۲/۱۲، ح ۳۳۸۴۹).

در حدیث عبدالله بن مسعود آمده: «إنه سئل كم يملك هذه الأمة من خليفة؟ قال: اثنا عشر كعلة نقيب بني إسرائيل» (ابن حنبل، ۵۵/۲؛ حاکم نیشابوری، ۵۰۱/۴؛ هیثمی، ۳۴۴/۵؛ ابن حجر عسقلانی، ۲۱۱/۱۳؛ البانی، ۷۱۹/۲-۷۲۰).

مسرّوق^۱ می‌گوید: ما در کوفه نزد عبدالله بن مسعود نشسته بودیم و او به ما قرآن می‌آموخت. مردی از او پرسید: ای اباعبدالرحمان! آیا شما [اصحاب پیامبر ﷺ] از آن حضرت پرسیدید که این امت چند نفر خلیفه خواهند داشت؟ عبدالله در پاسخ گفت: از هنگامی که به عراق آمده‌ام، تو نخستین کسی هستی که از من چنین پرسشی می‌کنی. آنگاه افزود: آری، ما از رسول خدا ﷺ این سؤال را پرسیدیم و آن حضرت در پاسخ فرمود: «دوازده تن خواهند بود به تعداد نقبای بنی اسرائیل» (همان).

چنان‌که می‌بینید، در همه این روایات سخن از این است که این دوازده نفر، خلفای «امت»‌اند و واژه «امت»، همه پیروان پیامبر اکرم ﷺ را تا قیامت شامل می‌شود و به هیچ وجه نمی‌توان واژه «امت» را به مسلمانان قرن اول یا دوم هجری اختصاص داد.

۱. وی از بزرگان تابعان است.

۴. دوران خلافت اینان بلافاصله پس از پیامبر ﷺ آغاز می‌شود: «یکون من بعدی اثنا عشر أمیراً (خلیفه) کلهم من قریش» (ترمذی، کتاب فتن، باب ۴۶؛ طبرانی، ۲/۲۱۴؛ ابن حنبل، ۹۹/۵).

وقتی به گذشته امت اسلامی می‌نگریم، جز امامان اهل بیت پیامبر ﷺ گروهی را نمی‌یابیم که تعداد آنان دوازده نفر، همگی از قریش، خلفای کل امت اسلامی، و آغاز خلافتشان بلافاصله پس از پیامبر ﷺ باشد و جهان هیچ گاه از وجود یکی از آنان خالی نباشد.

دانشمندان اهل سنت در توجیه احادیث فوق کوشیده‌اند تا با گزینش جمعی از حاکمان اموی و عباسی و انضمام آنان به خلفای راشدین، دوازده نفر مذکور در روایات فوق را تعیین کرده و آنان را مصداق آن روایات قرار دهند.

قاضی عیاض و ابن حجر می‌گویند: خلفای دوازده گانه رسول خدا ﷺ عبارت‌اند از: ۱. ابوبکر؛ ۲. عمر؛ ۳. عثمان؛ ۴. علی؛ ۵. معاویه؛ ۶. یزید؛ ۷. عبدالملک ابن مروان؛ ۸. ولید بن عبدالملک؛ ۹. سلیمان بن عبدالملک؛ ۱۰. یزید بن عبدالملک؛ ۱۱. هشام بن عبدالملک و ۱۲. ولید بن یزید بن عبدالملک (ابن حجر عسقلانی، ۲۱۴/۱۳).

سیوطی می‌نویسد: هشت تن از خلفای دوازده گانه رسول خدا ﷺ عبارت‌اند از: ۱. ابوبکر؛ ۲. عمر؛ ۳. عثمان؛ ۴. علی؛ ۵. حسن بن علی؛ ۶. معاویه؛ ۷. عبدالله بن زبیر و ۸. عمر بن عبدالعزیز.

وی آنگاه احتمال داده که دو نفر دیگر از خلفای دوازده گانه، المهتدی و الظاهر از حاکمان عباسی باشند؛ چون این دو به عقیده سیوطی، افراد عادل بوده‌اند! وی سپس می‌افزاید: «و اما دو نفر دیگر باقی مانده‌اند که باید منتظر آنان بمانیم؛ یکی از آن دو، «مهدی» که از اهل بیت پیامبر ﷺ است» (تاریخ الخلفاء، ۱۰-۱۲).

سیوطی نفر دوم را مسکوت گذاشته و از وی نام نمی‌برد. بدین سان می‌بینیم که دانشمند پر آوازه‌ای مانند سیوطی، تنها توانسته به گمان خود، نام یازده نفر از خلفای دوازده گانه رسول خدا ﷺ را آن هم بر اساس حدس و گمان مشخص کند و از تعیین نفر دوازدهم عاجز مانده است.

باید گفت: این توجیهات به دلایلی پذیرفته نیست؛ از جمله:

۱. خلفای راشدین نمی‌توانند مصداق احادیث فوق باشند؛ چون:
اولاً عدد آنها کمتر از دوازده نفر است.

ثانیاً خلفای کلّ اَمّت نیستند؛ زیرا دوران خلافتشان حدود سی سال بیشتر ادامه نیافته است.

۲. حاکمان اموی نیز نمی‌توانند مصداق احادیث باشند؛ زیرا:
اولاً عددشان بیشتر از دوازده نفر است.

ثانیاً خلفای کلّ اَمّت نیستند، بلکه دوران حکومت آنان در اوایل قرن دوم هجری (سال ۱۳۲ ق.) پایان یافته است.

ثالثاً تقریباً همه آنان، افرادی فاسق و ستمگر بوده‌اند (ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة، ۲۱۹) و زندگی آنان به زندگی پیامبر ﷺ هیچ شباهتی نداشته است تا بتوان آنان را جانشین پیامبر ﷺ دانست.

رابعاً حکومتشان بلافاصله پس از پیامبر ﷺ نبوده است.

۳. حاکمان عباسی نیز نمی‌توانند مصداق احادیث خلفای اثنا عشر باشند؛ زیرا:
اولاً عدد آنان بیش از دوازده نفر است.

ثانیاً خلفای کلّ اَمّت نبوده‌اند، بلکه حکومت آنان در سال ۱۳۲ هـ. آغاز شده و در اواسط قرن هفتم هجری با سقوط بغداد پایان یافته است.^۱

ثالثاً تقریباً همه آنان افرادی ظالم، ستمگر و بی‌دین بوده‌اند (حنفی قندوزی، ۵۳۵/۲) و زندگی و عملکرد آنان به زندگی و عملکرد رسول خدا ﷺ هیچ شباهتی نداشته است.

رابعاً حکومتشان بلافاصله پس از پیامبر ﷺ نبوده است.

افزون بر مباحث گذشته، چنان‌که دیدیم، اکثر کسانی که دانشمندان اهل سنت آنان را به عنوان مصداق احادیث خلفای اثنا عشر برگزیده‌اند، حاکمان اموی‌اند و اینان کسانی‌اند که پیامبر ﷺ آنان را لعن و نفرین کرده است (شوکانی، ۲۴۰/۳؛ ابن

۱. بخشی از آنان نیز تا قرن نهم هجری در مصر حکومت داشته‌اند.

حنبل، ۵/۳؛ هیثمی، ۳۰۸/۱ و ۴۳۵/۵؛ قرطبی، ۲۸۶/۱۰.

همچنین حافظان اهل سنت از پیامبر ﷺ احادیث صحیحی را نقل کرده‌اند که نشان می‌دهد، در هر عصری برای مردم آن عصر، امامی هست و مسلمانان وظیفه دارند، آن امام را بشناسند و بیعت او را برگردن نهند. عظمت این امام به اندازه‌ای است که هر کس بمیرد و او را نشناسد و در بیعت او قرار نداشته باشد، مرگش، مرگ جاهلی است.

در حدیثی از پیامبر ﷺ آمده است: «من مات و لیس فی عنقه بیعة، مات میتة جاهلیة» (مسلم، کتاب اماره، ج ۵۸؛ بیهقی، ۱۵۶/۸؛ البانی، ۷۱۵/۲؛ ابن حنبل، ۹۶/۴). همچنین از آن حضرت نقل شده که فرمود: «من مات بغير إمام، مات میتة جاهلیة» (ابوداود طیالسی، ۲۵۹؛ ابن حنبل، ۴۴۶/۳؛ بخاری، التاریخ الکبیر، ۴۴۵/۶). و نیز فرمود: «من مات و لم یعرف إمام زمانه، مات میتة جاهلیة» (تفتازانی، ۲۳۹/۵).

احادیث دیگری از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمود: «لا یزال هذا الأمر فی قریش ما بقی من الناس اثنان» (مسلم، کتاب اماره، باب ۱؛ بخاری، صحیح، ۲۱۸/۴ و ۷۸/۹) همواره امر خلافت در میان قریش است تا آنگاه که دو نفر انسان در جهان باقی باشند.^۱

احادیث دسته نخست می‌گفت: در هر زمانی امامی وجود دارد که مردم وظیفه دارند او را بشناسند، و در بیعت او قرار داشته باشند. و حدیث دسته دوم می‌گفت: آن امام باید از تبار قریش باشد. بر اساس این، وظیفه امت اسلامی این است که پس از پیامبر اکرم ﷺ تا قیامت، در هر زمانی، در بیعت امامی باشند که از تبار قریش و از دودمان پیامبر اکرم ﷺ باشد. حال آنکه این معنا، به هیچ وجه با توجیهات دانشمندان اهل سنت درباره احادیث تعداد خلفای پس از پیامبر ﷺ سازگار نیست؛ چرا که امروز، اهل سنت فاقد چنین خلیفه‌ای می‌باشند، در حالی که باید همواره از وجود چنین امام و خلیفه‌ای برخوردار باشند.

آری، مجموع این احادیث، مؤید دیدگاه دانشمندان شیعه امامیه درباره امامان و خلفای دوازده گانه پیامبر ﷺ است. دانشمندان شیعه معتقدند مصداق احادیث

۱. با این مضمون احادیث فراوان دیگری نیز وجود دارد.

خلفای پیامبر ﷺ، امامانی هستند که همگی آنان از اهل بیت پیامبر ﷺ می باشند و خلافت آنان نیز لزوماً به معنای حکومت ظاهری نیست، بلکه به معنای حَقِّ الهی و استحقاقی است که از جانب خدا و به واسطهٔ پیامبر ﷺ به آنان اعطا شده است. نخستین فرد این سلسله، علی بن ابی طالب (علیه السلام) و آخرین آنان، مهدی موعود (علیه السلام) است که از عمری غیر متعارف و طولانی برخوردار است، به گونه ای که جهان هیچ گاه از وجود یکی از آنان خالی نبوده و نخواهد بود.

تردیدی نیست که بشارت پیامبر ﷺ به آمدن دوازده خلیفه پس از وی، سخنی عادی نیست، بلکه بشارتی الهی و ابلاغ شده از سوی خداوند است؛ چرا که آن حضرت، هیچ گاه از پیش خود سخن نمی گوید و سخن او چیزی جز وحی الهی نیست (نجم/ ۵)، به ویژه دربارهٔ موضوع مهمی مانند جانشینان خود و رهبران امت اسلامی.

حال که بشارت، بشارتی الهی و بشارت دهنده، پیامبر خداست، باید مصادیق بشارت نیز الهی باشد و تعیین آنان به اذن خدا و به واسطهٔ پیامبر ﷺ صورت گیرد؛ چرا که با این ویژگیها، معنا ندارد تعیین مصادیق بشارت، آن هم دربارهٔ چنین مسئلهٔ مهمی، به دانشمندان دربار حاکمان اموی و عباسی سپرده شود تا بر اساس ذوق، سلیقه و گرایش های فکری خود، در این باره تصمیم بگیرند و هر کسی، عده ای را به عنوان مصداق این بشارت معرفی کند و حاصل انتخاب آنان، این باشد که عده ای از عناصر شیطانی از بنی امیه و بنی عباس به عنوان جانشینان رسول خدا ﷺ تعیین و معرفی شوند.

افزون بر مباحث گذشته، دانشمندان شیعه و شماری از دانشمندان اهل سنت، احادیثی از رسول خدا ﷺ نقل کرده اند که به صراحت نشان می دهد همهٔ امامان شیعه، جزء اهل بیت پیامبرند. این احادیث، در تفاسیر روایی شیعه، مانند نور الثقلین، تفسیر قمی و... در ذیل آیه تطهیر و آیه اولی الامر (نساء/ ۵۹) و یا در کتابهایی مانند کافی، کفایة الاثر، فرائد السمطين، ینایع الموده و... مضبوط است.

کتاب‌شناسی

- ابن حنبل، احمد، مسند احمد، دار الفكر، بی‌تا.
- ابن عساکر، تهذيب تاريخ دمشق، بيروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- ابن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، چاپ دوم، بيروت، دار المعرفة، ۱۴۰۷ ق.
- ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- ابوداود، سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابی داود، چاپ اول، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۰ ق - ۱۹۹۰ م.
- ابوداود طیالسی، مسند ابی داود الطیالسی، بيروت، دار الحديث، بی‌تا.
- اصفهانی، ابونعم، حلیۃ الاولیاء، بيروت، دار الکتب العلمیه، بی‌تا.
- البانی، محمد ناصرالدین، سلسله الصحیحہ، ریاض، نشر دار المعارف، بی‌تا.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، التاریخ الکبیر، بيروت، دار الفكر، بی‌تا.
- همو، صحیح بخاری، بيروت، دار الجیل، بی‌تا.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین بن علی، السنن الکبری، تحقیق یوسف عبدالرحمان المرعشلی، بيروت، دار المعرفة، ۱۴۱۳ هـ.
- تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، قم، چاپ رضی، بی‌تا.
- جوینی، محمد بن ابراهیم، فرائد السطین، بيروت، مؤسسة محمودی للطباعة و النشر، ۱۴۰۰ ق.
- حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بيروت، دار الکتب العربی و دار الکتب العلمیه، بی‌تا.
- حنفی قندوزی، شیخ سلیمان، ینابیع المودّه، قم، چاپ رضی، ۱۴۱۳ ق.
- خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، بيروت، دار الکتب العلمیه، بی‌تا.
- ذهبی، شمس الدین، تلخیص المستدرک، ذیل مستدرک حاکم، دار الکتب العربی، بی‌تا.
- رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین، مفردات الفاظ القرآن، قم، دار الکتب العلمیه، بی‌تا.
- سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، چاپ اول، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۳ ق.
- همو، تاریخ الخلفاء، بيروت، دار القلم، ۱۴۰۶ ق.
- شافعی، محمد بن ادريس، دیوان امام شافعی، گردآوری محمد عبدالرحیم، دار الفكر، بی‌تا.
- شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، بيروت، دار المعرفة للطباعة و النشر، بی‌تا.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بيروت، دار المعرفة، ۱۴۰۷ ق.
- طحاوی، ابوجعفر، مشکلی الآثار، چاپ اول، بيروت، دار صادر، ۱۳۳۳ هـ.
- عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری، تحقیق محب‌الدین خطیب، بيروت، دار المعرفة، بی‌تا.
- قرطبی، احمد بن محمد، الجامع لاحکام القرآن، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۶۶ م.
- قریشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ ق.
- متقی هندی، کنز العمال، بيروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۵ ق.
- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، چاپ سلفیه.

- محمد بیومی مهران، الامامة و اهل البيت، مصر، دار النهضة العربية، ۱۹۹۵ م.
- مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، الجامع الصحیح، بیروت، دار الفکر، ۱۳۹۸ ق.
- موحد ابطحي، سيد علي، آية التطهير في احاديث الفريقين، قم، ۱۴۰۴ ق.
- هيثمي مكى، احمد بن حجر، الصواعق المحرقة، چاپ مصر، بی تا.
- هيثمي، نورالدين علي بن ابی بكر، معجم الزوائد و منبع القوائد، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.



مرکز تحقیقات کاتبان علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی